



شماره داوطلب
نام خانوادگی و نام

خراسان رضوی
شهر



سروش اندیشه
مؤسسه فرهنگی هنری

آزمون تشریحی

۱۴۰۴/۱۲/۰۱

جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی مؤسسه سروش
اندیشه حیات

پاسخنامه آزمون جمع بندی مباحث دوازدهم انسانی

شماره داوطلبی:

نام و نام خانوادگی:

مدت پاسخگویی: ۱۸۰

تعداد سوال: ۹۶ عدد

عنوان مواد امتحانی آزمون اختصاصی، تعداد، شماره سوالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سوال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	ادبیات	۴۵	۱	۴۵	۶۰ دقیقه
۲	دینی	۲۵	۱	۲۵	۶۰ دقیقه
۳	فلسفه	۲۶	۱	۲۶	۶۰ دقیقه

به دانش فزای و به یزدان گرای ، که او باد جان تورا رهنمای (فردوسی)

①

تخت پادشاهی، اورنگ

②

اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است.

③

گزینه ب

④

عن قریب

⑤

مباهات

⑥

ب) یا: در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

⑦

الف) صفت مضاف الیه

خواندن این مطلب



ب)

⑧

الف) مضارع التزامی. ب) مسند / نهاد.

⑨

الف) ضمیر مفعولی

ب) اختیار از دست دادن

⑩

«د» (یا بیت از یک جمله مرکب تشکیل شده است).

⑪

مضاف الیه

⑫

الف) معطوف

ب) غرق غبار و غربتیم با من سمت باران بیا

۱۳

چهار مفعول

۱۴

معنایی

۱۵

درست

۱۶

درست

۱۷

تضاد

۱۸

حسن تعلیل

۱۹

حسن تعلیل

۲۰

اسلوب معادله

۲۱

شاعر علت پنهان شدن دماوند در پشت ابر رادور ماندن از نظر مردم می‌داند یا مردم گریزی

۲۲

ب) پیش از آنی که زنده سبزه سر از خاکش، کاش / دل عارف هوس سبزه و صحرا می‌کرد.

۲۳

بهار

۲۴

الف) استعاره

ب) ایهام

۲۵

د) چهار

۲۶

«ب» (یا زنی‌رنگ هوا و از فریب آ‌زخاقانی / دلت خُلد است خالی ساز از طاووس و شیطان‌ش)

۲۷

سکوت

۲۸

شکوه و شکایت از اوضاع نابسامان جامعه قبل انقلاب اسلامی (یا هر پاسخ دیگر)

۲۹

ب (یا خود بیت)

۳۰

ثابت قدمی در راه عدالت خواهی.

۳۱

غم‌گین نبودن برای کم و زیاد زندگی و غصه مادیات را نخوردن.

۳۲

مادر سر سپید ← دماوند و انسان‌های تحت ظلم
فرزند سیاه بخت ← شاعر و انسان‌هایی که برای آزادی تلاش می‌کند.

۳۳

زیرا عشق را واسطه رسیدن به خدا می‌داند.

۳۴

سکوت یا بی‌ادعایی عاشقان حقیقی (رازداری عارفان و فنا‌یافتگان) (یا هر مفهوم مشابه)

۳۵

گزینه ب

۳۶

بلندی و برافراشتگی کوه دماوند

۳۷

بیان طمع و حریص بودن است که همه را می‌تواند از پای در آورد.

۳۸

از عرش به فرش آمدن (یا هر ضرب‌المثل درست دیگر)

۳۹

«فراهم شدن زمینه بازگشت» یا «برطرف شدن مشکلات یا آسان شدن کارها»

۴۰

دور شدن از معنویت

۴۱

امید / توجه داشتن. رونق بخشیدن

۴۲

ای دوست در ایران (کشور) انقلاب ارزشهای انقلاب از ما به یادگار می ماند.

۴۳

شیره درخت انگور با قدرت او، عسلی خالص شده.

۴۴

اکنون خورشید آزادی و امید / امام (ره)، در فضای کشور، روشنی بخش ماست.

۴۵

هنگام طلوع آفتاب در کنار قنات حسنی در شهر سیرجان اقامت کوتاه می کردیم.



ردیف	نمره	
۱	۰.۲۵	آیه شریفه (أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ): «آیا غیر از او سرپرستانی گرفته‌اید؟»، بیانگر شرک در ولایت است که بازتاب و نتیجه شرک در ولایت، شرک در ربوبیت است. (صفحه ۲۲ کتاب درسی)
۲	۰.۲۵	لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. (صفحه ۱۲ کتاب درسی)
۳	۰.۵	پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ»: برترین عبادت اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست. (صفحه ۲ کتاب درسی)
۴	۰.۲۵	اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند «معرفتی عمیق و والاست» که در نگاه نخست مشکل به نظر می‌رسد اما هدفی قابل دسترس است. به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاک‌ی و صفای قلب دارند. (صفحه ۱۲ کتاب درسی)
۵	۱	الف: ۴ (توحید در خالقیت) ب: ۱ (توحید در ربوبیت) ج: ۵ (توحید در مالکیت) د: ۳ (توحید در ولایت)
۶	۱	اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که سرپرستی جهان را برعهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می‌باشند، شرک در ولایت است. (صفحه ۲۱ کتاب درسی)
۷	۱	پیروان این جریان فکری خشک و غیرعقلانی با تفکر غلطی که در مورد توحید و شرک دارند هر مسلمانی را که مانند آنها نمی‌اندیشد مشرک و کافر می‌خوانند و گاه کشتن او را واجب می‌شمارند. پیروان این جریان می‌گویند توسل به پیامبران و معصومین شرک است. طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران برای اینکه خدا انسان را ببخشد شرک است و همچنین معتقدند این گونه افراد کافرنده و مسلمان محسوب نمی‌شوند. هیچ گروهی از مسلمانان غیر از جریان تکفیری‌ها چنین درخواستی از پیامبران و اولیای دین در برآورده کردن حاجات انسان مانند شفا دادن را شرک‌آلود نمی‌دانند. جریان تکفیری در سال‌های اخیر برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است. متأسفانه این جریان، بزرگ‌ترین ضربه را به اسلام وارد کرد و سبب تنفر برخی از مردم جهان از دین اسلام شد. (صفحه ۲۴ کتاب درسی)



ردیف	نمره	
۸	۱	زیرا از یک سو، هوای نفس وی هر روز، خواسته جدیدی جلوی روی او قرار می‌دهد و از سوی دیگر، قدرت‌های مادی که هر روز رنگ عوض می‌کنند او را به بردگی جدید می‌کشانند.
۹	۱	الف) عبارت «جهان خلقت را ملک خود تلقی می‌کنند و بدون نظر مالک حقیقی آن» — «دچار شرک در مالکیت شده‌اند». عبارت «هر گونه که بخواهند در این جهان تصرف می‌کنند» — «دچار شرک در ولایت شده‌اند». عبارت «خود را پرورش‌دهنده جهان می‌دانند» — «دچار شرک در ربوبیت شده‌اند». ب) از جمله پیامدهای این تفکر: پیامدهای طبیعی: تخریب محیط زیست، آلوده شدن طبیعت. پیامدهای اجتماعی: پیدا شدن جوامع بسیار فقیر در کنار جوامع بسیار ثروتمند و مانند اینها است. (صفحه ۳۶ کتاب درسی)
۱۰	۰.۲۵	هر فردی متناسب با افکار و اعتقادات خویش، مسیر زندگی خود را انتخاب و بر همان اساس رفتار خواهد کرد. (صفحه ۳۱ کتاب درسی)
۱۱	۰.۵	الف) قیام کنید (به پا خیزید) ب) ۱- برای خدا باشد ۲- به صورت گروهی و فردی باشد (قیام گروهی و فردی باشد) (قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيِئِ الْأُنثَىٰ) (به بندگانم) بگو شما را فقط یک موعظه می‌کنم (و آن اینکه) به صورت گروهی و فردی برای خدا به پا خیزید (قیام کنید). (صفحه ۴۳ کتاب درسی)
۱۲	۰.۲۵	حسن فاعلی
۱۳	۱	غفلت از خداوند را کم می‌کند، محبت او را در قلب تقویت می‌سازد و انسان را از کمک‌های الهی بهره‌مند می‌کند. (ذکر دو مورد کافی است).



ردیف	نمره
۱۴	۰.۷۵
۱۵	۰.۵
۱۶	۱
۱۷	۱.۲۵
۱۸	۱
۱۹	۱.۲۵

۱- افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند
۲- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او
۳- دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات
(صفحه ۴۶ و ۴۷ کتاب درسی)

توانایی فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد.
(صفحه ۴۷ کتاب درسی)

حسن فعلی بدین معنا است که کار به درستی و به همان صورت که خدا فرمان و دستور داده است انجام شود.
(صفحه ۴۵ کتاب درسی)

اختیار: به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است و یک حقیقت وجدانی است.
شواهد وجود اختیار عبارتند از: ۱) تفکر و تصمیم ۲) احساس رضایت یا پشیمانی ۳) مسئولیت پذیری
(صفحه ۵۵ و ۵۶ کتاب درسی)

وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری را نکرده ایم، آن کار انجام نمی گیرد؛ در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می زند همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافاتی ندارد.
(صفحه ۶۰ و ۶۱ کتاب درسی)

خیر؛ خداوند این گونه تقدیر کرد که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند، باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.



ردیف	نمره	
		(صفحه ۵۸ کتاب درسی)
۲۰	۱	اعتماد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگری نیز هستند که تدبیر امور موجودات را برعهده دارند. یا (کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه باز کند). یا (کسی گمان کند که می تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند).
۲۱	۱	نیازمندی موجودات جهان به خداوند از ۲ جهت است: ۱) نیازمندی جهان به خدا در پیدایش ۲) نیازمندی جهان به خدا در بقا (صفحه ۷ و ۹ کتاب درسی)
۲۲	۱	موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، دو دسته اند: الف) موضوعاتی که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند و ذهن ما توان و گنجایش فهم و چپستی و ذات آنها را دارد زیرا همه آنها محدود هستند مانند گیاهان و حیوانات و کیهان ها و... ب) موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم امور محدود را دریابیم و چون خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه ذهن محدود ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. (صفحه ۱۲ و ۱۳ کتاب درسی)
۲۳	۱	قانونمندی جهان خلقت اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم دربر می گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان «سنت های الهی» یاد کرده است و مردم را به شناخت آنها، به خصوص سنت های مربوط به زندگی انسان دعوت نموده است. (صفحه ۶۹ کتاب درسی)
۲۴	۱	در شرایط و موقعیتی که انسان، صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آنچه را که ادعا کرده، مشخص سازد.
۲۵	۱	سنت امداد خاص (توفیق الهی)، توفیق در اصطلاح دینی به معنای آسان نمودن است؛ یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می کند که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد. این امداد خاص خداوند که سنت توفیق الهی نام دارد شامل حال کسانی می شود که با نیت پاک، قدم در راه حق بگذارند. یکی از جلوه های این توفیق، نصرت و هدایت الهی است که به دنبال تلاش و مجاهدت است. از جلوه های دیگر توفیق الهی، ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی شخص مؤمن می باشد.



ردیف	نمره
(صفحه ۷۳ کتاب درسی)	



ردیف	نمره								
۱	الف) نیازمند به دلیل؛ حمل وجود بر هر ماهیتی دلیل می‌خواهد. ب) بی‌نیاز به دلیل؛ هر چیز مادی، جسم بودن ذاتی‌اش است. ج) بی‌نیاز به دلیل؛ فلز بودن ذاتی جیوه است. د) نیازمند به دلیل؛ سه زاویه ذاتی مثلث نیست. (صفحه ۵ کتاب درسی)								
۲	مکتب فلسفی است که توماس آکوئیناس در اروپا تأسیس کرد و هنوز هم به نام وی در جریان است. فلسفه او بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود و همین امر موجب آشنایی فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد شد و از این طریق مجدداً آنها با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کردند (صفحه ۶، ۷ کتاب درسی)								
۳	در حمل اول، چون فلز ذات طلا است این حمل به دلیل نیاز ندارد ولی در حمل دوم چون وجود جزء ذات طلا نیست ما نیاز به دلیل داریم. در حمل بی‌نیاز از دلیل ذاتیات را بر ماهیت حمل می‌کنیم و دلیل هم نمی‌خواهیم ولی در حمل نیازمند دلیل، محمول ویژگی غیرذاتی است پس برای درستی آن حمل، نیازمند دلیل هستیم. (صفحه ۵ کتاب درسی)								
۴	زیرا این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن‌الوجود هستند و با «وجود»، رابطه امکانی دارند و همین رابطه امکانی به ذات و ماهیت آنها اجازه می‌دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز موجود شوند و در خارج تحقق یابند. موجودات حال حاضر جهان در ذات خودشان ممکن‌الوجود بوده‌اند یعنی می‌توانستند بیایند و یا می‌توانستند نیایند. همین امکان ذاتی به آنها اجازه داده است که با ایجاد علت‌شان، آنها نیز ایجاد شوند. (صفحه ۱۱ کتاب درسی)								
۵	<table><tr><td>عدد پنج زوج است.</td><td>خفاش پا ندارد.</td><td>امتحان نهایی وجود ندارد.</td><td>انسان حیوان است.</td></tr><tr><td>امتناعی</td><td>امکانی</td><td>امکانی</td><td>ضروری یا وجوبی</td></tr></table>	عدد پنج زوج است.	خفاش پا ندارد.	امتحان نهایی وجود ندارد.	انسان حیوان است.	امتناعی	امکانی	امکانی	ضروری یا وجوبی
عدد پنج زوج است.	خفاش پا ندارد.	امتحان نهایی وجود ندارد.	انسان حیوان است.						
امتناعی	امکانی	امکانی	ضروری یا وجوبی						



ردیف	نمره	
		در این حمل نگاه می‌کنیم اگر موضوع و محمول حتماً باید باهم باشند، حمل ضروری یا وجوبی است، اگر موضوع و محمول هم می‌توانستند باهم باشند و هم می‌توانستند باهم نباشند، حمل، امکانی است و اگر موضوع و محمول هیچ‌گاه نمی‌توانستند باهم باشند، حمل امتناعی است (صفحه ۹، ۱۰ کتاب درسی)
۶	۰.۲۵	گزینه ۱ - اسب تکشاخ
۷	۰.۵	الف) رابطه امکانی؛ محمول قضیه برای موضوع خود ضروری نیست و موضوع هم می‌تواند این محمول را بپذیرد و هم می‌تواند نپذیرد؛ یعنی محمول برای موضوع خود حالت امکان دارد. ب) رابطه امتناعی؛ برقراری ارتباط میان موضوع و محمول این قضیه غیرممکن است، یعنی محال و ممتنع است که مثلث چهارضلعی باشد. (صفحه ۱۰ کتاب درسی)
۸	۱	زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.
۹	۰.۲۵	اصل وجوب علی و معلولی
۱۰	۱	الگوی اول پاسخ: هیوم برخلاف تجربه‌گرایان، معتقد است که رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست و آن را نمی‌توان از طریق مشاهده حسی و تجربه به دست آورد و باید یک راه تجربی دیگر برای آن پیدا کرد. الگوی دوم پاسخ: تجربه‌گرایان معتقدند تکرار و توالی و هم‌زمانی پدیده‌ها منشأ درک علیت است. اما هیوم آن را صرفاً انعکاس ذهنی و تداعی یا حالت روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده‌ها می‌داند.
۱۱	۱	الف) نفی سنخیت؛ زیرا طبق اصل سنخیت علت و معلول، در محیط نامناسب و بدون عوامل لازم، معلول از هر علتی به وجود نمی‌آید. ب) نفی وجوب علی و معلولی؛ زیرا طبق اصل وجوب علی و معلولی، وقتی تمام عوامل لازم و کافی برای ایجاد معلول وجود داشته باشد، حتماً معلول به وجود می‌آید. ج) حادثه پیش‌بینی نشده؛ زیرا روبه‌رو شدن با حوادث پیش‌بینی نشده، با اصل علیت تعارضی ندارد، بلکه بیانگر علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است. د) نفی غایت‌مندی؛ زیرا از نظر برخی زیست‌شناسان، جهان طبیعت بر اثر تحول و تغییر بدنی به‌صورت اتفاقی سازگار شده‌اند و طبیعت و موجوداتش بدون هیچ هدف و غایت‌مندی به وجود آمده‌اند.
۱۲	۰.۵	در مواردی که معلول، از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، هریک از عوامل را «علت ناقصه» می‌گویند. مثلاً اگر باران دارای علت‌هایی مانند وجود ابر، دمای هوا و میزان رطوبت خاص باشد، هریک از این عوامل علت ناقصه هستند. (صفحه ۲۵ کتاب درسی)



ردیف	نمره	
۱۳	۰.۵	انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و بی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد و متناقض با یک هستی نظام مند و قانونمند است. (صفحه ۲۵ کتاب درسی)
۱۴	۱	او معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتمها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند و برخوردهایی با هم داشته اند و برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان باعث پیدایش عناصر و اشیای فعلی شده است. (صفحه ۲۲ کتاب درسی)
۱۵	۰.۷۵	مقدمه اول: من از حقیقتی نامتناهی دانا و توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم. مقدمه دوم: این تصور از خود نمی باشد؛ چون من موجودی متناهی ام و این تصور از هیچ موجود متناهی دیگری هم نیست. نتیجه: پس این تصور از یک وجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی را به من بدهد. (صفحه ۳۴ و ۳۵ کتاب درسی)
۱۶	۰.۵	مثال خیر اشاره به ذات خداوند دارد. دمیورژ اشاره به مرتبه خلق جهان / صانع / آفریننده این عالم دارد.
۱۷	۱	در این برهان، باید در مقایسه دو موجود با یکدیگر، یک کامل مطلق یا خوب مطلق وجود داشته باشد و هر کدام از آن دو موجود که به این وجود کامل، نزدیک تر باشد، برتر است و آن را که از آن وجود کامل دورتر باشد، ناقص تر به حساب آورد.
۱۸	۰.۲۵	- ملاصدرا استدلال خود برای اثبات وجود خدا را براساس مفهوم «امکان فقری» یا «فقر وجودی» تنظیم نموده است. - نظریه امکان فقری یا فقر وجودی ملاصدرا بیانگر این است که همه موجودات و واقعیات جهان، عین وابستگی و نیاز هستند و وابستگی و نیاز به غیر، سراسر وجود آنها را فراگرفته است. طبق نظریه امکان فقری یا فقر وجودی، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. (صفحه ۴۶ کتاب درسی)
۱۹	۱	(۱) جهان را غایتمند بداند و این غایتمندی را توضیح دهد. (۲) انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند. (۳) برای انسان گرایشی به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی (یعنی خدا) وجود دارد.



ردیف	نمره
	(۴) آرمان‌های مقدس و فراتر از زندگی مادی را درست و معتبر بدانند. (۵) در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت کند. (صفحه ۴۷، ۴۸ کتاب درسی)
۲۰	(۱) واجب‌الوجود بالذات (۲) واجب‌الوجود بالغیر (صفحه ۴۵ کتاب درسی)
۲۱	دکارت که با ریاضیات به‌خوبی آشنا بود، به همه توانایی‌های عقل مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد و غیرمادی انسان و اختیار او را اثبات کند. البته او دیگر به عالم عقل به عنوان یک عالم برتر و متعالی در جهان، عقیده‌ای نداشت و عقل را صرفاً همان دستگاه تفکر و استدلال به حساب می‌آورد که می‌تواند ابزار شناخت انسان قرار بگیرد. (صفحه ۵۷ کتاب درسی)
۲۲	فیلسوفان، عقل را برای دو مقصود و منظور به کار برده‌اند: (۱) عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال انسان (کاربرد رایج بین مردم) که این کاربرد یکی از ابزارهای شناخت انسان می‌باشد. (۲) عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده: الف) عقول یا موجودات عقلانی ب) خدا به عنوان عقل کل (صفحه ۵۳ و ۵۴ کتاب درسی)
۲۳	عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می‌کند، عقل نظری نامیده می‌شود مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت آب. - ارسطو، قوه عقل را براساس کاری که انجام می‌دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم نمود. - دانش‌هایی که نتیجه عقل نظری‌اند، علم نظری و دانش‌هایی که حاصل فعالیت عقل عملی‌اند، علم عملی نام دارد. - عقل عملی درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید‌ها و نبایدهای او بحث می‌کند.



ردیف	نمره	
		(صفحه ۵۵ کتاب درسی)
۲۴	۱	الف) عقل بالقوه / هیولایی؛ در این مرحله انسان استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد. (دخترشان این توانایی و استعداد را دارد) ب) عقل بالملکه؛ در این مرحله عقل مفاهیم و قضایایی بدیهی و نزدیک به بدیهی را درک می‌کند. (اینکه نمی‌شود مادرش، هم در اتاق باشد و هم نباشد) ج) عقل بالفعل؛ در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش‌هایی را کسب کرده است. (و پس از چندین سال تحصیل در مدرسه و پس از آن در دانشگاه) د) عقل بالمستفاد؛ در این مرحله انسان به طوری بر دانش‌هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می‌تواند استفاده نماید. (حل مشکلات علمی برایش سهل و آسان بود)
۲۵	۱	- از نظر فارابی و ابن‌سینا اولین مخلوق خداوند «عقل اول» است که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به‌ترتیب از عقل اول به وجود آمده‌اند. - یکی از عقول عالم عقل (مجردات)، «عقل فعال» نام دارد؛ این عقل عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها است؛ یعنی تمام ادراک‌ها و دانش‌های انسان به مدد این عقل صورت می‌گیرد. به واسطه عقل فعال است که انسان مفاهیم کلی را می‌فهمد و درک می‌کند. مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان‌طور که آفتاب نوربخشی می‌کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقل آدمی می‌رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می‌شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می‌کند و به ادراک حقایق می‌رسد. (صفحه ۶۳ کتاب درسی)
۲۶	۰.۵	هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد.